

چپاولگري ، قانون ستيزي ، مردم آزاري و مصلحت گرایی (عملکرد حاکمیت کززي در آینه ی ارقام و حقایق) بخش دوم (استاد صباح)



امارتکان دهنده و تأمل برانگیز فساد گسترده اداری، اختلاس های کلان، کشتار غیر نظامیان ، افزایش بی سابقه خشونت علیه زنان، اختلافات یوچ احزاب، آوارگی جوانان در کمپ های غریبی، گسترش فقر و فحشا، خودکامگی حکومت و از همه مهمتر دخالت های کشورهای منطقه در تعیین و تبیین سیاست و امنیت افغانستان، معنای واژه استقلال را زیر سوال برده است. بلی! آنهایی که سال ها اهداف شخصی و تنظیمی و عقده ها و حقارت های شخصی واقعیت هارا وارونه جلوه داده اند و بار دیگر دندان های خونپورو تیز را سخت تریه هم بفشارند تا مردم را بیشتر به کام نیستی و نابودی ببرند ، آیا اینست رعایت حقوق انسانی و دفاع از حقوق بشر؟ تحقیقات که موسسات داخلی و خارجی منتشر نموده - بطور اوسط روزانه هفت نفر از افراد غیر نظامی قربانی حملات تروریستی مخالفین و خودسری نیروهای خارجی میشوند که این قربانیان را اکثرآ اطفال و زنان تشکیل میدهند . چر ادولت وریس جمهور گرویهایی تروریستی و انتحاری را برادر خطاب میکند و مگر ریس جمهور در جنایات آنان شریک است؟ . قوای خارجی که روزانه ده ها جرم و جنایت را انجام میدهند ، پس چرا مهر سکوت بر لبها زده میشود تا گریبان شانرا گرفت و مورد سوال قرار داد؟ قدرتمداران نمیخواهند این کار را انجام بدهند زیرا منافع شخصی و معاشات دالری شان به خطر مواجه میشود.

چرا کشورهای که داد از حقوق بشر میزند ، اطفال بی گناه کشور را قربانی میکنند . ؟

امروز آنانیکه داد از حقوق زن میزند و زنان بی گناه مارا تحقیر و توهین و تلاش میکنند.

کسانیکه داد از عدالت میزند اما به سرمدمداران کشور هدایت میدهند که به نوکران خارجی معاش بالاتر از ۲۰۰۰ دالر ۱۰۰۰۰ دالر میبرند از آن در حالیکه مامور، معلم و کارمندان یایان رتبه عمری در پشت میز سپری نموده اما امروز به معاش ۶۰۰۰ الی ۸۰۰۰ افغانی دولت برایش قایل میشود .

آیاهمین عدالت است و همین مساوت و حقوق انسان.؟؟؟

چرا امروز در کشور فساد اداری بی داد میکند در حالیکه مقامات بلند پایه که اکثر آجنایتکاران جنگی اند به اساس معامله گیری تمام داروندار کشور را به یغما میبرند، چرا کسی لب باز نمیکند و مجرم و جنایتکار را سرزنش نمیکنند؟

خسته ام از توبه های سرسری
از هوای نفس و از دیو و پری
دوستان دشمنم در یآوری
مادران بدتر از نامادری.
عده ای خوابند، پس بیدار کو؟
عده ای مست اند، پس هوشیار کو؟
بهری نجات وطن غازی و سردار کو؟
از برای حفظ کشور لشکر بسیار کو؟
مال مردم مال بابایت است! نه؟
وقف خرج انتخابات است! نه؟
جرم تو لازم به اثبات است! نه؟
مردنت بهتر ازین حیات است! نه؟

حکومت طالبان از تاسیس در کابل الی سقوط آن در ماه اکتوبر دو هزار و یک - پنج سال را دربرگرفت یکی از سیاه ترین و بدنام ترین دوره های تاریخ شمرده میشود . نسل کشی ، و زیر پا نمودن حقوق زنان ، بستن دروازه های مکاتب ، خصومت با علم ، فرهنگ ، هنر و هر آنچه با تمدن و انسانیت ارتباط داشت در برنامه کاری آنان قرار داشت . هدف نهایی طراحان پروژه طالبان راخلع فرهنگی و از بین بردن دست آوردهای معنوی کشور را تشکیل میداد . انفجار در سفارتخانه های امریکا در کینیا و تانزانیا در سال نوزده نود و هشت و بخصوص حادثه تروریستی یازده سپتامبر دو هزار و یک - در امریکا که طراحی آن توسط بخش عربی طالبان صورت گرفت ، جهان را متوجه وخامت اوضاع و حکومت طالبان نمود و سرانجام کشورهای غربی را مصمم ساخت تا ایندستگاه تروریستی را از میان بردارد .

بالانده فراوان ایالات متحده آمریکا با از بین بردن طالبان یکبار دیگر بدنام ترین چهره های جنگ و تفنگ را با اسلحه جدید و با میلیون ها دالروارد زندگی مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان نمود . گویی این مردم ستم دیده باید همیشه پاکستن ، بستن ، بردن و نابود شدن زندگی نمایند . بارفتن طالبان فقط چهره عوض شد . برنامه کارروانه ، سیاست های محلی ، اندیشه بنیادگرایی ، جنگ و تفنگ ، بردن و کشتن ، قنذاق کاری ، به زندان انداختن همان بود که در زمان طالبان جریان داشت ، ولی با دوتفاوت : یکی اینکه این زندانی ساختن و بردن و تسلیم دادن بی گناهان به خارجیان و در زندان های بیگانه ها صورت گرفت و دوم تغییر دستار به پکول بود . آمریکایان با سیاست های دودمنشانه خویش باز هم همان پکول پوشان فراری که شهر را به ویرانه و کابل را به غمخانه تبدیل نموده بودند بلای جان مردم گردانید . جاه طلبی رهبران و فرماندهان نیروهای به اصطلاح جهادی تنها اهرم مصیبت بار بود که استعمار می توانست درین راه از آن بهره برداری نماید . بسیاری از افرادی که در جریان جنگ ها در افغانستان به انواع مختلف حقوق آنان زیر پا شده و بسیاری از آنان اعضای خانواده های خود را از دست داده اند ، معتقدند که برنامه عدالت انتقالی قریبانی معاملات سیاسی شده است و مدعی این هستند که تا زمانیکه به خواست آنان از سوی حکومت و نهاد های مسئول رسیدگی لازم صورت نگیرد ، به اعتراضات در آینده هم ادامه می دهند . دولت طی این سال ها اقدامات جدی و موثری برای حمایت از حقوق بشر در کشور انجام نداده است و این بی علافگی دولت به حمایت از حقوق بشر باعث شده که زورمندان به صورت پی در پی از زور ، ترس و وحشت استفاده کنند و زمینه افزایش موارد نقض حقوق بشر را فراهم آورند .

حتی مسئولین کمیسیون حقوق بشر در افغانستان نیز بر این موضوع اذعان دارند که اراده سیاسی برای تامین و حمایت از حقوق بشر در حکومت متاسفانه به شکلی که انتظار می رفت دیده نشده است . توقیف های خودسرانه پولیس و عدم رعایت طرز العمل های قانونی در توقیف افراد ، افزایش خشونت بر علیه زنان ، محاکمه نشدن متقلبین و ناقضین حقوق بشر ، تغل در رسیدگی به دوسیه های جرمی و ... همه از مواردی است که شاهد این مدعاست . کسانیکه حقوق بشر را در افغانستان نقض کرده اند ، امروز اکثر شان صاحب قدرت و چوکی در دولت است . اگر کسی بخواهد آنها را محاکمه کند ، آن افراد باید خود همین ناقضین حقوق بشر باشند . باید آنها خودشان ، خودشان را محاکمه کنند . چون قدرت بالاتر از آنها در افغانستان وجود ندارد . و آنها هم حاضر به محاکمه ای خودشان نیستند .

ازین خاطر است که محاکمه جنایت کاران در افغانستان صورت نگرفته است .

یوناما در گزارش نیمه سال گذشته خود درباره حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه در افغانستان اعلام کرد که در نیمه اول سال، خشونت‌های ناشی از درگیری به مرگ دوازده صد غیر نظامی و زخمی شدن دوهزار غیر نظامی، شامل نوصدوپنجاه زن و کودک، منجر شده است. به علاوه، خشونت‌های ناشی از درگیری نزدیک به صدوبیست هزار نفر را در افغانستان آواره کرده است که حدوداً هجده هزار نفر آن‌ها جدیداً آواره شده‌اند. طالبان، که رسماً اعلام کرده‌اند به حمله علیه کسانی که بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه به عنوان غیر نظامی مورد حمایت قرار دارند ادامه خواهند داد، مسئولیت هشتاد فیصد از تلفات غیر نظامی را به عهده دارند.

حمله علیه مدارس به ویژه افزایش یافته و بر دسترسی کودکان به آموزش تأثیر گذاشته است. در آپریل دوهزار و دوازده، صدوپنجاه دختر متعلم در اثر آلودگی آب آشامیدنی در ولایت تخار مسموم شدند. در چند سال گذشته، موارد زیادی از اسید پاشی به زنان و دختران در راه مکتب گزارش شده است. در اگست سال گذشته، سر یک دختر شش‌ساله و یک پسر دوازده ساله در دو مورد جداگانه در مناطق زیر کنترل طالبان قطع شد. سر هفده غیر نظامی دیگر در ولایت هلمند قطع شد. سوهیر بالحسن، رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر، میگوید: دولت افغانستان باید به سرعت درباره این‌گونه قتل‌های هولناک تحقیق کند، مسئولان آن‌ها را به دست عدالت بسپارد و ارانه جبران مؤثر به قربانیان را تضمین کند. «همان‌طور که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه هزار و سه صد و بیست و پنج خود تأکید کرده است، بسیار مهم است که تمام کشورها موازین حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر را به طور کامل درباره زنان و دختران به کار بگیرند و اقدام‌های ویژه‌ای برای حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت‌های جنسی در درگیری‌های مسلحانه به اجرا بگذارند. در طی سال گذشته، باشندگان محلی نگرانی‌های خود را درباره استخدام ناقضان حقوق بشر به وسیله پلیس افغانستان به طور منظم نزد هیات کم‌کمرسانی سازمان ملل در افغانستان ابراز کرده‌اند. دلایل محکمی وجود دارد که طالبان به طور فزاینده در میان نیروهای افغانستان رخنه می‌کنند و موجب افزایش حمله‌ها به نیروهای بین‌المللی و افغانستان می‌شوند.

گیسو جهانگیری، مدیر بنیاد آسیای آزاد، گفت: با توجه به فجایع اخیر، جامعه بین‌المللی باید بر اساس تعهد خود در کنفرانس توکیو درباره افغانستان در تاریخ هشت جولای دوهزار و دوازده به نظارت دقیق بر وضعیت حقوق بشر در افغانستان ادامه دهد. شورای حقوق بشر سازمان ملل مسئولیت جلوگیری از نقض حقوق بشر را در هر جا که رخ دهد به عهده دارد. باعث تأسف است که این شورا درباره این جنایت‌های فجیع سکوت کرده است. در گزارشی که در ماه می دوهزار و دوازده منتشر شد، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و بنیاد آسیای آزاد توصیه‌هایی را به دولت افغانستان، سازمان ملل، کشورهای عضو ناتو و دادگاه بین‌المللی جزایی ارائه کردند.

متأسفانه در نتیجه حضور ده ساله خارجیها، غیرنظامیان بارها و بارها در بمباران‌های کور قربانی شده‌اند و وضعیت معتادین در سطح پایتخت، نشان دهنده این است که آمار اعتیاد، در میان مردم به دلیل کشت وافر مواد مخدر، رو به افزایش است. اروپائیان که عضو ناتو هستند و به اجرای تعهدات خود در افغانستان پای بند نمی‌باشند، موجب ظلم مضاعف شده است. آمار نیروهای نظامی افغانستان به رقمی نزدیک به دوبرابر، افزایش یافته؛ اما سیاست‌های سلطه طلبانه و عدم مسئولیت‌پذیری آنان، آینده مردم ما را درهاله‌ای از ابهام فرو برده است.

با توجه به شواهد موجود، ارمنان حضور ناتو در افغانستان چیزی جز ویرانی و کشتار نبوده و اخبار مربوط به بازداشت و شکنجه‌ی افراد غیر نظامی و آزار و اذیت مردم و بمب باران مناطق مسکونی به بهانه‌ی تخریب ادوات طالبان و القاعده همه مشکلاتی است که حقوق اولیه و طبیعی انسانی را به شدت نقض می‌کند. اغلب نهاد‌های بین‌المللی همانند سازمان دیده بان حقوق بشر علیرغم وابستگی به غرب، تعداد زیاد تلفات غیرنظامیان را تأیید کرده و خواستار حفاظت از جان غیرنظامیان در عملیات نظامی شده‌اند. آنان از وضعیت حقوق بشر در افغانستان ابراز نگرانی کرده و خارجیها را به عدم رعایت موازین بین‌المللی و بخصوص بد رفتاری و شکنجه زندانیان متهم کرده‌اند.

شاهد بودیم نظامیان خارجی پس از قتل مردم غیر نظامی و بخصوص کودکان، انگشتان قربانیان خود را می‌برند و با آنها بازی می‌کنند. در سال سیزده نود محکمه نظامی واشنگتن، شاهد اعترافات تکان دهنده یکی از پنج عضو تیم کشتار غیر نظامیان در افغانستان بود. آنان به جمع آوری مجموعه‌ای از انگشتان بریده شده غیر نظامیان و کشتار وحشیانه کودکان با استفاده از بم دستی در ولایت قندهار اعتراف کرده بودند. در این جنایت، جرمی مورلاک، سر دسته سربازان با یک سرباز دیگر بر سر چگونگی کشتن یک پسر ی مسابقه می‌دهند. آنها این پسر را صدا می‌کنند و در فاصله پنج متری وی، همزمان مورلاک نارنجکی را به سوی وی پرتاب کرده و هولمز با اسلحه اتوماتیک خود شش گلوله به سوی وی شلیک می‌کند. در این مسابقه هولمز برنده می‌شود چون گلوله‌های شلیک شده توسط اسلحه او، موجب مرگ این پسر شده بود.

خودکشی، تجاوز به زنان و کودکان و خودسوزی قبل از حضور نیروهای آمریکایی، پدیده‌ای جدید و ناآشنا برای افغان‌ها بود اما اکنون پس از ده سال حضور این کشور در افغانستان، این‌گونه مسائل از حوادث عادی در افغانستان به

شمار می‌رود. با آن که افغانستان سه و نیم دهه جنگ و خونریزی را سپری کرده است اما در این مدت هیچگاه پدیده‌هایی مانند خودسوزی را به خود ندیده بود اما اکنون این کشور در ردیف اول فهرست ناامن‌ترین کشورها برای زنان و کودکان قرار دارد. یک روزنامه ناروی در نوشته است که استمرار حضور گروه‌های تروریستی القاعده و طالبان در مناطق مختلف افغانستان این کشور را به خطرناک‌ترین منطقه برای زنان تبدیل کرده است. حملات مداوم تروریستی که اصلی‌ترین قربانیان آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دهد، در کنار عدم امنیت اجتماعی و منع تحصیل از جمله مشکلات جاری زنان افغان محسوب می‌شود. در سال گذشته سازمان ملل آمار تجاوز جنسی در افغانستان از سوی رسانه‌ها را پایین‌تر از میزان واقعی آن دانست. نماینده حقوق بشر سازمان ملل در افغانستان اعلام کرد آمار تجاوز جنسی در افغانستان کمتر از میزان واقعی است و بخش وسیعی از این تجاوزها به دلیل گزارش نشدن، پنهان می‌ماند. در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، حقوق بشر در افغانستان بدین شکل پایمال نمی‌شد، زیرا آنان بیشتر از آمریکایی‌ها به انسانیت و کرامت انسانی پایبند بودند. اکنون نسل جوان افغانستان با آشنایی به ابتدال فرهنگی غربی، یک نوع احساس خود بیگانگی می‌کند که در نتیجه یا زندگی برای آنها بی مفهوم شده و به خودکشی و خودسوزی دست می‌زنند و یا به وحشی‌گری و تجاوز به مال و ناموس دیگران می‌پردازند.

کمتر روزی است که در رسانه‌های داخلی و خارجی، از حملات انتحاری، انفجارات و یا حملات راکتی، به یکی از نقاط کشور، خبر ندهد. در حالیکه انتظار می‌رفت با تشکیل پارلمان و تنفیذ هرچه بهتر قانون؛ دولت، به بخشی از چالش‌های موجود در مقابل خود، فایق آید؛ اما دیده می‌شود که تشدید ناامنی‌ها، باعث ایجاد چالش عمده‌ای در مقابل دولت، شده است. کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پرشمار داخلی و خارجی تامین‌کننده امنیت، وجود دارند نیز از گزند ناامنی‌ها، مصون نمانده و بطور پراکنده اما هشدار دهنده‌ای، مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می‌گیرند. اگرچه تا کنون، ارگان‌های دولتی تامین‌کننده امنیت، شامل وزارت دفاع، داخله و امنیت ملی، تشدید حملات انتحاری و تخریبی از سوی مخالفین را، نشانه‌ای تضعیف و اضمحلال آنان دانسته و مدعی اند که آنان به دلیل عدم برابری در مواجهه مستقیم با دولت، دست به این کارها می‌زنند.

درگیری و بی‌نظمی‌ها نشان می‌دهد که امنیت، روز به روز خراب‌تر شده می‌رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه‌های بازسازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی و پنج ساله تخریب شده و مردم کشور، برای قادر شدن به گذران زندگی آبرومندانانه خویش، نیاز شدید به کار در راستای بازسازی دارند؛ امنیت و سرزنش سران جنگ و تفنگ ضرورت شماره اول به حساب می‌آید. در صورتیکه این مشکلات بطور عاجل مرفوع نگردد بسیار مشکل خواهد بود تا حرکت‌های لازم دیگر، در عرصه‌های بازسازی و احیای مجدد و قادر ساختن مردم به پیدواری ضروری، صورت بگیرد. تخریب اوضاع امنیتی در کشور، سبب شده است تا کُرزی، نتواند در برابر اوضاع نا بسامان امنیتی، واکنش نشان ندهد. کُرزی که اغلب، در سخنرانی‌هایش از بازسازی و کارکردهای دولت سخن می‌گوید، در سفرهای خویش، با اینکه کوشش می‌کند تا در جلب اعتماد مردم، از کارکردهای دولتش چیزی بگوید؛ اما نمی‌تواند منکر وضعیت نا بسامان امنیتی گردد.

از جانب دیگر از هر دو نفر افغان، یک بیکار می‌باشد. این بیکاری سبب می‌شود تا عاید مردم صفر گردد و مردم را مجبور نماید تا به آسانی دعوت هرکسی را برای تحصیل پول قبول نمایند، حتی اگر دعوت‌هایی مبنی بر صدمه رساندن به منافع ملی و عدم تحکیم ثبات باشد. در کنار بیکاری، چیزی دیگر یک مشکل مردم را بیشتر کرده، گرانی و بلند رفتن روزانه نرخ مواد استهلاکی است. نبود فابریکه‌های تولیدی در داخل کشور و متکی بودن افغانستان به واردات حتی برای تامین مواد ضروری چون آرد و روغن و گندم، سبب می‌گردد تا نرخ‌ها در نوسان و رو به صعود باشد. این مسئله، مردم را در یک تنگنا قرار می‌دهد و مجبور می‌شوند تا دست به سرقت، تخریب یا هر کاری بزنند که برای شان روزنه‌ای برای به دست آوردن نان و خرچ‌خانه، باشد. سالهاست که پس از سرآزیر شدن دهها میلیارد دالر در افغانستان فساد اداری گسترده و عمیق، اداره‌های افغانستان را فلج کرده است و کمک‌های جهان به افغانستان تاراج شده است. فساد اداری که ریشه‌ای اصلی اش تبعیض قومی و عدم رعایت شایسته‌سالاری است بیشتر از همه در کادرهای کلیدی ادارات وجود دارد و بزرگترین فساد، تفرز وزیران کابینه و والیان ولایات و رؤسای ادارات براساس قومیت و گروه‌گرایی و قوم‌بازی است نه تخصص و تعهد کاری و وحدت و منافع ملی.

روزنامه‌گاردین در یکی از شماره‌های اخیر خویش مینویسد: گزارشی جنجال برانگیز از سوی سازمان ملل که خیلی وقتها مسکوت مانده بود، نشان می‌دهد برخی سیاستمداران و مقامات بلندپایه افغانستان متهم به سازماندهی کشتار، شکنجه، تجاوز و سایر جنایات جنگی هستند... این گزارش قرار بود منتشر شود اما انتشار آن به دلیل حساسیت افشای اسامی مقامات و فرماندهانی که هنوز در راس قدرت هستند، چندین بار به تاخیر افتاد. یک مقام اروپایی که از ذکر نامش خود داری کرد گفت: کُرزی تصمیم‌هایی می‌گیرد که برای ثبات در کوتاه مدت موثر می‌باشد اما در دراز مدت برخلاف منافع

بازسازی افغانستان خواهد بود و در نتیجه حمایت بین المللی از کرزی رو به زوال میباید که این در آینده ها یک شکاف و خلا واقعی بوجود خواهد آورد. خانه های مردم در شبها دزدی میشود و در روزها سرمایه مردم در وزارت خانه ها به یغما برده میشود. من واقعاً متاسفم.



دیدبان حقوق بشر در گزارش جدید خود، وضعیت کشور را از نگاه رعایت حقوق بشری، گسترش فساد، ادامه جنگ و ناامنی و کشتار غیرنظامیان بسیار نگران کننده توصیف کرده است. نبود حاکمیت قانون، وجود یک حکومت ناتوان، افزایش تلفات غیرنظامیان و دست داشتن شماری از مقامات بلند پایه حکومت از جمله نیروهای پولیس و دادگاه ها با فساد، خشونت در برابر زنان، ضعیف بودن نهادهای عدلی و قضایی و شکنجه زندانیان، از عواملی است که وضعیت حقوق بشر را در افغانستان به شدت نگران کننده ساخته است. هرچند افغانستان تا پیش از این جزء اولین کشورهای بود که آلوده به فساد است و اولین کشوری است که بیشترین مواد مخدر را تولید می کند و اولین کشوری است که بیشترین آمار بیکاری را در خود دارد و نیز اولین کشوری است که کمترین رعایت قانون را دارد و سرانجام این بار افغانستان به اولین کشوری تبدیل شده است که در آن بیشترین نقض حقوق بشر در آن صورت می گیرد و این مقام اولی جدیدی است که افغانستان از مسیر معکوس و منفی آن در سال جاری کسب کرده است.

در طول ده سال گذشته آمار تلفات انسانهای غیر نظامی که به هزاران و شاید دهها هزار نفر می رسد، خود روایت گر قساوت و بی رحمی جنگ در افغانستان است و رعایت حقوق انسانی افراد غیر نظامی و مجروح اصلا در قاموس گروههای افراطی چون القاعده و طالبان نمی گنجد.

تا کنون طالبان در حملات خود هیچ ابایی از تلفات افراد غیر نظامی در حملات انتحاری و چریکی خود نداشته است، طوری که براساس آمارها و گزارش های که هر سال از سوی نهادهای مختلف منتشر می گردد، نشان میدهد که هشتاد درصد تلفات افراد غیر نظامی توسط طالبان بوده است و این خود نشان میدهد که طالبان در حملات انتحاری و حملات نظامی خود هیچ ابایی از تلفات غیر نظامیان ندارند و در طول دو دهه آشوب و خونریزی که به پا کرده است، هیچ گاهی حتی از کشته شدن غیر نظامیان معذرت خواهی نیز نکرده است. در تداوم جنگ نه تنها گروه طالبان حقوق بشر را زیر پا گذاشته بلکه نیروهای دولتی و خارجی نیز مرتکب نقض بشر در جنگ و نبرد با طالبان شده است.

بر اساس آمارهای داده شده از سوی یونیسف هم اکنون شش میلیون کودک با خطرهای گوناگونی مانند سوء استفاده های جنسی، کارهای شاقه، استفاده در حمله های انتحاری و جاسوسی روبرو هستند.

آماری که وحشت ناک ترین رویه را برای کودکان گزارش می کند و افغانستان در مقام بد رفتاری و عدم حمایت از حقوق کودکان نیز مقام اول را در جهان دارا میباشد. تضييع حقوق زنان در کشور نیز کمتر از وضعیت حقوقی ناپسامان کودکان در کشور نیست. حقوق و آزادی های زنان در افغانستان در گردها سنت های قبیله ای گم شده است و برای زنان در طول ده سال پیشرفت قابل ملاحظه ای صورت نگرفته است. مقامات بلند پایه دولتی می گویند، که رسیده گی به وضعیت زنان افغان یکی از اولویت های اساسی کار آنان است و باید ناقضین حقوق بشر به خصوص ناقضین حقوق زنان در این کشور مورد محاکمه قرار گیرند.

اما این ناقضین نه تنها محاکمه نمی شوند بلکه هر سال میزان خشونت ها در کشور بالا می رود و این نشان می دهد که تفکرات مردسالاری تا چه حد در کشور ما از استحکام برخوردار است که بجای ایجاد تغییر و تحول آمار خشونت ها علیه زنان نسبت به سال های گذشته هر سال بالاتر می رود. همین موضوع سبب شده است که بیشترین نگرانی دیدبان حقوق بشر در گزارش جدیدش از وضعیت حقوق بشر در افغانستان، در مورد زنان باشد.

دیدبان حقوق بشر با اشاره به پیشرفت های نسبی زنان در کشور، وضعیت آنان را بدتر از پیش می داند و می گوید نداشتن مصونیت قانونی، تهدید از سوی طالبان و دیگر گروه های مسلح و زندانی شدن دختران و زنان به اتهام فرار از خانه از سوی حکومت، ازدواج های اجباری و مرگ و میر مادران هنگام زایمان که در هر ساعت یک مادر باردار می میرد از مشکلات جدی زنان در افغانستان است.

در طول چند سال گذشته کارشناسان بارها نسبت به عملکرد نیروهای ملیشه ای هشدار داده بودند، اما دولت همیشه از آنان حمایت کرده است در گزارش جدید دیدبان حقوق بشر عملکرد نیروهای فرماندهان محلی و ملیشه ای را زیر سنوالت برده و گزارش داده است که حکومت افغانستان و جامعه جهانی به مشکلات امنیتی رسیدگی درست نکرده است زیرا بسیاری از فرماندهان محلی و ملیشه ها از حقوق مردم سوءاستفاده کرده اند و این افراد و فرماندهان آنان در سوء استفاده های بزرگی دست دارند. حکومت افغانستان برای کشتن فرماندهان محلی و ملیشه ها به دادگاه ناکام بوده است و نیز نتوانسته اند آن مقام های بلند پایه دولتی را که آلوده به فساد هستند به محکمه بکشاند.

آنچه در این گزارش بیشتر مایه نگرانی است این است که این نهاد گفته است که با خروج نیروهای خارجی از افغانستان در سال دوازدهم وضعیت حقوق بشر بیش از گذشته در افغانستان نقض خواهد شد. هرچند تا پیش از این وقتی از حکومت افغانستان در مورد نقض حقوق بشر و گسترش فساد در کشور انتقاد می گردید، حکومت فوراً بخشی از فساد و نقض حقوق بشر را به گردن خارجی ها می انداخت، اما اکنون کارشناسان بدین باورند که با خروج نیروهای خارجی از افغانستان، در کشور ما بیشتر از گذشته فساد و نقض حقوق بشر گسترش خواهد یافت.

دیده بان حقوق بشر و عفو بین الملل از کرزی، خواستند به منظور جلب دوباره اعتماد مردم روابط خود را با جنگ سالاران افغان قطع کند. دیده بان حقوق بشر در بیانیه ای اعلام کرد جنگ سالاران، جنایتکاران و آنهایی که به حقوق بشر ضربه می زنند نباید در سمت های مهم در دولت ملی و محلی یا نیروهای امنیتی منصوب شوند. در این بیانیه به نقل از براد آدامز مسنول دیده بان حقوق بشر در آسیا آمده است کرزی و حامیان بین المللی وی باید بفهمند که همین حالا اعتماد مردم افغان را دوباره بدست بیاورند وگرنه این امر هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

عفو بین الملل نیز به نوبه خود از کرزی خواست احترام به حقوق بشر و برقراری دوباره حکومت قانون را اولویت دور دوم ریاست جمهوری خود قرار دهد. مدیر منطقه آسیا - اقیانوس آرام عفو بین الملل در بیانیه ای اعلام کرد افغان ها همچنان به ما می گویند که از سو زمامداری، فساد شایع، نظام قضایی ناکارآمد و فقدان احترام به حقوق بشر رنج می برند. مسنولان دولت و نمایندگان مظنون به نقض حقوق بشر و ارتکاب جنایات جنگی از مصونیت بی شرمانه ای برخوردارند. و مسئولیت اعمال خود را برعهده بگیرند.

همچنان ماد دیدم قبلا سخنگوی دفتر نمایندگی ملل متحد یوناما در یک کنفرانس خبری در کابل گفت که آلودگی رو به افزایش مقامات این کشور به انواع فساد، تهدیدی برای حاکمیت ملی و امنیت در افغانستان است. ادوارد گفت: "از جامعه جهانی نباید انتظار داشت که از ادارات و مسنولان آخسته به فساد پشتیبانی کند و این موضوع برای مردم عادی نیز قابل پذیرش نیست." به گفته ادوارد فساد و نا امنی دو روی یک سکه است و جایی که فساد باشد در آنجا نا امنی نیز وجود دارد. ادامه فساد در حکومت به کاهش حاکمیت دولت مرکزی در این مناطق منجر خواهد شد. او گفت اگرچه افغانستان در یک مرحله گذار قرار دارد ولی ممکن نیست از کنار مسایل مهمی چون فساد، مواد مخدر و اداره ضعیف به آسانی گذشت. وجود فساد اداری در دستگاه حکومت از آن دسته انتقادهای است که حکومت پس از طالبان به رهبری رییس جمهور کرزی همواره با آن مواجه بوده است؛ آنچه که حکومت کرزی از نخستین روزهای تشکیل متعهد به مبارزه با آن شده بود. ولی در حال حاضر این مشکل به جای کاهش، رو به افزایش نهاده است.

دوام این حالت در کنار نارضایتی مردم نگرانی برخی سازمان های جهانی را نیز برانگیخته است. موضوع فساد در دستگاه حکومت به یکی از بحث های محوری مطبوعات غربی نیز تبدیل شده چنانچه در یکی از شماره های اخیر روزنامه واشنگتن پست در مطلبی از خرید و فروش پست های بلند دولتی در افغانستان خبر داده شده است. بسیاری افغان ها به این نتیجه رسیده اند که اگر جلو فساد گرفته نشود و اصلاحات لازم به وجود نیاید آنچه در چهار سال گذشته دولت و مردم به دست آورده اند به آسانی از دست خواهد رفت.

اخیراً شماری از رهبران سابق جهادی که در گزارش ماه قوس سازمان جهانی نظارت حقوق بشر متهم به نقض حقوق بشر شده بودند؛ در کابل گردهم آمدند و پیرامون گزارش اخیر سازمان نظارت بر حقوق بشر؛ به بحث و مشوره، پرداختند و دخالت شان در جنایات جنگی را رد کردند.

آنان انتشار این گزارش را توطئه ای علیه مجاهدین توصیف و خواهان محاکمه تهیه کنندگان این گزارش شدند. در این نشست که شماری از سران جهادی و برخی نمایندگان مجلس حضور داشتند، بر تشکیل گردهمایی مسالمت آمیز مردمی در ولایات در اعتراض به گزارش سازمان مزبور تاکید شد. برهان الدین ربانی در رابطه با گزارش سازمان نظارت بر

حقوق بشر گفت که باید علیه تهیه‌کنندگان این گزارش اقامه دعوا شود. وی با اشاره به اینکه در گزارش به حیثیت ملی افغان‌ها تجاوز شده افزود: هر فردی از این دار و دسته و لانه جاسوسی آنها گزارش را تهیه کرده باید محاکمه شوند. این سازمان نه بر اساس احساسات اسلامی و یا دفاع از حقوق بشر بلکه بر اساس وظیفه اطلاعاتی دشمن علیه جنبش آزادی خواهی ملت‌ها فعالیت می‌کند. ربانی این گزارش را توطئه توصیف کرد و افزود: شماری از افراد داخلی و خارجی در تهیه گزارش یاد شده دخالت دارند. همچنین رسول سیاف نیز گفت که این گزارش آسیبی به مجاهدین و مردم وارد نخواهد کرد بلکه باعث همبستگی بیشتر و وحدت میان آنها خواهد شد. چندی قبل دیدبان حقوق بشر در گزارشی اعلام کرده بود: اگر کرزی عدالت را حاکم نسازد، روند تحکیم امنیت در کشور شکست خواهد خورد. در گزارش تاکید شد که وقت آن است افرادی که در جنگ‌های داخلی و در وقوع جرایم جنگی دخالت داشتند به دادگاه احضار شوند. در گزارش دیدبان حقوق بشر از حکومت افغانستان انتقاد و گفته شد در عوض اینکه پایمال‌کنندگان حقوق بشر و مجرمان جنگی به دادگاه احضار شوند، آنان بکار گرفته شدند.

در گزارش از عبدالرسول سیاف، برهان‌الدین ربانی، محمد قسیم فهیم، محمد اسماعیل خان، و محمد محقق نام برده شده است. براساس این گزارش، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی، ملا محمد عمر، ملا دادالله و مولوی جلال‌الدین حقانی از گروه طالبان متهم به جنایت ضد بشری نیز می‌باشند. پس از انتشار این گزارش دولت افغانستان مطالب سازمان نظارت بر حقوق بشر را در مورد شماری از شخصیت‌های جهادی کشور نادرست اعلام کرد. این جلسه در پشت دره‌های بسته در هتل انترکانتیننتال؛ برگزار شد. اما در سال‌های گذشته موسسات داخلی و جهانی حقوق بشر مکرراً گفتند که نا قضین بزرگ حقوق بشر در چوکی‌های رسمی افغانستان کار می‌کنند. اما تاکنون کسی مشخص نام فردی را یاد نکرده بود. مقامات در پاسخ به این اتهامات همیشه گفته‌اند که این سخنان صرف اتهامات است و علیه این افراد اسناد و شواهد وجود ندارد. اما اخیراً رئیس بخش آسیا در سازمان حقوق بشر هیومن رایتس و اچ برات آدمس از افرادی که به گفته او عملاً به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت متهم می‌باشند نام برد. اخیراً کرزی هم اعلام نمود که برنامه‌ای را تحت نام عدالت انتقالی روی دست گرفته است که طبق آن با مجرمین جنگ در افغانستان و جنگ علیه بشریت برخورد صورت خواهد گرفت.

اما مقامات دولتی نگفتند که این برنامه چه وقت آغاز می‌شود و کدام افراد به کرسی عدالت کشانده می‌شوند. اما برات آدمس در صحبت تلفونی خود با رادیوی آزادی مهر سکوت را درین مورد شکسته و نام این افراد را که به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی متهم می‌باشند با صراحت به زبان آورد. آدمس در صحبت‌های خود از کرزی خواست که یک محکمه خاص را تشکیل دهد تا جنایتکاران جنگ در آن حضور یابند. او همینطور گفته است که بعد از سقوط طالبان حکومت افغانستان و حامیان بین‌المللی آن به ناقضین حقوق بشر و قاچاقبران مواد مخدر تکیه کرده است. او گفته است که در ظرف بیست سال گذشته مردم افغانستان شاهد شدیدترین جنایات در این کشور بودند. تا یک وقتی خارجی‌ها بر این مردم بمبارد می‌کردند و بعداً در جنگ‌های تنظیمی توسط افغانها بمباران شدند. آدمس می‌افزاید که طبق یک گزارش این سازمان در اوایل دهه نود میلادی برای ویرانی کابل قدم عمده‌ی و منظم برداشته شد و این یک جزو کوچکی از جریانات افغانستان است. یک عده افرادی که مسوول این اعمال بودند به یک ترتیبی از گذشته پاک شده و حالا در چوکی‌های بلند حکومت و پارلمان نشسته و از مصنوعیت هم بهره مند شده‌اند.

این حالت برای مردم افغانستان قابل قبول نیست. (افغانهای که ما با آنها صحبت کردیم گفتند که این موضوع برای شان غیر قابل قبول می‌باشد. آنها میدانند که کی کشور شان را ویران کرد، آنها این افراد را که به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگ دست زده‌اند می‌شناسند و اعتبار آنها به حکومت و به پارلمانی که به چنین افراد مقام، قدرت و حیثیت داده است کمتر می‌شود.) از عقیده عدالت بخاطر جنایت‌های گذشته حمایت می‌کند اما او با تهدید افرادی مانند سیاف روبرو شده و عقب نشینی کرده است. آدمس، کرزی را تشویق می‌کند از محاکمه چنین افراد ترس نداشته باشد: واقعاً امیدوارم که اعلام برنامه عدالت انتقالی یک علامتی باشد که رئیس جمهور حقیقتاً به این گفتار متعهد است و به قبول خطر در این راه آماده می‌باشد. عقیده ما اینست که این افراد نمی‌توانند کرزی را به سقوط روبرو سازند، آنها در حقیقت بازنده خواهند بود به شرطی که کرزی به حمایت جامعه جهانی در مسئله جنایات با آنها برخورد نماید.